

فهرست مطالب

۲	مقدمه
۲	بخش اول: ایده‌یابی
۲	گام اول: تصمیم‌گیری در مورد اینکه چه می‌خواهید بنویسید
۳	گام دوم: برنامه خود را مشخص کنید
۴	گام سوم: مطالعه کنید و بیاموزید
۵	گام چهارم: همیشه یک کاوشگر باشید
۶	گام پنجم: همیشه یک دفترچه یادداشت همراه خودتان داشته باشید
۶	گام ششم: پروژه خود را شروع کنید
۷	گام هفتم: به انجام پروژه خود پایبند باشید
۸	گام هشتم: عضویت در انجمن‌های ادبی و فعالیت‌های اجتماعی
۹	گام نهم: به مسائل مالی بپردازید
۹	بخش دوم: تبدیل ایده‌ها و افکار به کلمات
۹	گام دهم: خواننده را به دام بیندازید
۱۰	گام یازدهم: درباره مسائلی بنویسید که اطلاعات زیادی در موردشان دارید
۱۱	گام دوازدهم: ساختار اثر را در نظر بگیرید

- ۱۱..... گام سیزدهم: زاویه دید راوی را انتخاب کنید
- ۱۲..... بخش سوم: قوانین نگارش
- ۱۲..... گام چهاردهم: هر روز با استفاده از کلمات ساده بنویسید
- ۱۲..... گام پانزدهم: در ابتدا با جملات کوتاه شروع کنید
- ۱۳..... گام شانزدهم: بگذارید فعل‌های شما کار اصلی را انجام دهند
- ۱۳..... گام هفدهم: مراقب باشید بیش از حد از صفت استفاده نکنید
- ۱۴..... گام هجدهم: پیوسته دامنه واژگان خود را افزایش دهید
- ۱۵..... گام نوزدهم: منظورتان را صریح و شفاف بیان کنید
- ۱۶..... گام بیستم: از زبان تمثیلی و کنایی با هدف اثرگذاری استفاده کنید، نه به عنوان یک قاعده
- ۱۶..... گام بیست و یکم: در مورد استفاده از علائم نگارشی افراط و تفریط نکنید
- ۱۷..... گام بیست و دوم: وقتی همه قوانین را یاد گرفتید، آن‌ها را نقض کنید

مقدمه

نویسنده‌گی هنر بیان تجربه انسانی در قالبی هنرمندانه و ادبی است. نوشتن پیشه و هنری با ظرافت است که در آن ضمن تبعیت از فنون ادبی مشخص، نویسنده ملزم به رعایت استانداردهای حرفه‌ای نیز می‌باشد.

اگر به دنیای نگارش و کلمات علاقه‌مند هستید، نویسنده‌گی می‌تواند شغل مناسبی برای شما باشد. نویسندگان در صنایع مختلف و در جایگاه‌های شغلی بسیار متنوعی مشغول به کار هستند. برخی از آن‌ها ممکن است داستان‌های ادبی بنویسند، برخی دیگر ممکن است برای روزنامه‌ها و جراید مقالات اجتماعی بنویسند، عده‌ای هم متون تبلیغاتی را می‌نویسند و بسیاری از جایگاه‌های شغلی دیگر که نویسنده‌ها در آن مشغول به کار هستند. به دلیل تنوع حوزه کاری نویسنده‌گی، این هنر را می‌توان یک موقعیت شغلی عالی برای افراد خلاق دانست که می‌خواهند علاقه و اشتیاق خود را به یک حرفه تبدیل کنند و از آن کسب درآمد کنند.

اگرچه می‌توان گفت که برای تبدیل شدن به یک نویسنده صرفاً نوشتن کافی است، اما اگر می‌خواهید که این حرفه را به شکل صحیح و اصولی یاد بگیرید، چندین نکته آموزشی هست که باید آن‌ها را قبل از شروع به کار فراگیرید. با این کار از آمادگی کافی برای موقعیت‌های شغلی مختلفی که با آن‌ها روبرو خواهید شد، اطمینان حاصل می‌کنید.

برای شروع کار خود در صنعت نویسنده‌گی، مهم است که بدانید نویسنده بودن شامل تسلط بر چه مواردی است و اینکه چه مراحل را برای رسیدن به آن لازم است که طی کنید. در این مقاله از دیجی کالا مگ، ما اقداماتی که یک نویسنده حرفه‌ای برای خلق اثرش انجام می‌دهد را مورد بررسی قرار می‌دهیم، سپس مراحل مختلف این سفر آموزشی، برای آغاز حرفه نویسنده‌گی را شرح خواهیم داد و در ادامه برای هر مرحله از این سفر مثال‌ها و نمونه‌هایی عملی ارائه خواهیم کرد. با ما همراه باشید.

بخش اول: ایده‌یابی

گام اول: تصمیم‌گیری در مورد اینکه چه می‌خواهید بنویسید



دنیای وسیع و گسترده‌ی نگارش خلاقانه به زیرمجموعه‌های مشخصی تقسیم می‌شود (داستان، شعر، متون غیرداستانی خلاقانه و ...)، حتی چندین ژانر تخصصی نیز برای طبقه‌بندی این نوع وجود دارد (علمی تخیلی، اسرارآمیز، تجربی و بسیاری موارد دیگر). در مورد آنچه که می‌خواهید بنویسید تصمیم‌گیری کنید. در واقع شما باید آن چیزی را بنویسید که خودتان از خواندنش لذت می‌برید. بهترین نوشته‌های شما زمانی حاصل می‌شود که شما فقط و فقط به آن موضوعی بپردازید که خودتان به آن علاقه‌مند هستید. حقیقت دیگر این است که هیچ‌کس نمی‌تواند مثل شما بنویسد. وقتی اشتیاق شما چاشنی نوشته‌هایتان بشود، خوانندگان شما نیز به نوبه خود به نوشته‌های شما علاقه‌مند می‌شوند. علاقه و اشتیاق شما به پروژه نگارشی که قصد دارید آغاز کنید، ابزاری قدرتمند است که می‌تواند نقش یک نقطه شروع مناسب را ایفا کند.

- به یاد داشته باشید که الزامی وجود ندارد که خود را فقط به یک حوزه نگارشی محدود کنید. بسیاری از نویسندگان معتبر به طور معمول به کمد و کاو و گسترش دامنه کاری خود در حوزه نویسندگی می‌پردازند. به عنوان مثال ممکن است که آن‌ها در هنگام انتظار برای انتشار آثار غیر داستانی خود، مقالاتی ادبی و خلاقانه بنویسند. یا اینکه ممکن است رمان‌های کوتاه آن‌ها شعرهایی را نیز در درون خود جای داده باشد. در واقع دنیای نویسندگی آن قدر گسترده و جذاب است که هر نویسنده‌ای دیر یا زود به گوشه و کناره‌های آن سرک خواهید کشید. اگر داستان می‌نویسید، فقط به ادبیات داستانی نچسبید. شما علاوه بر داستان باید ادبیات غیرداستانی را نیز امتحان کنید.

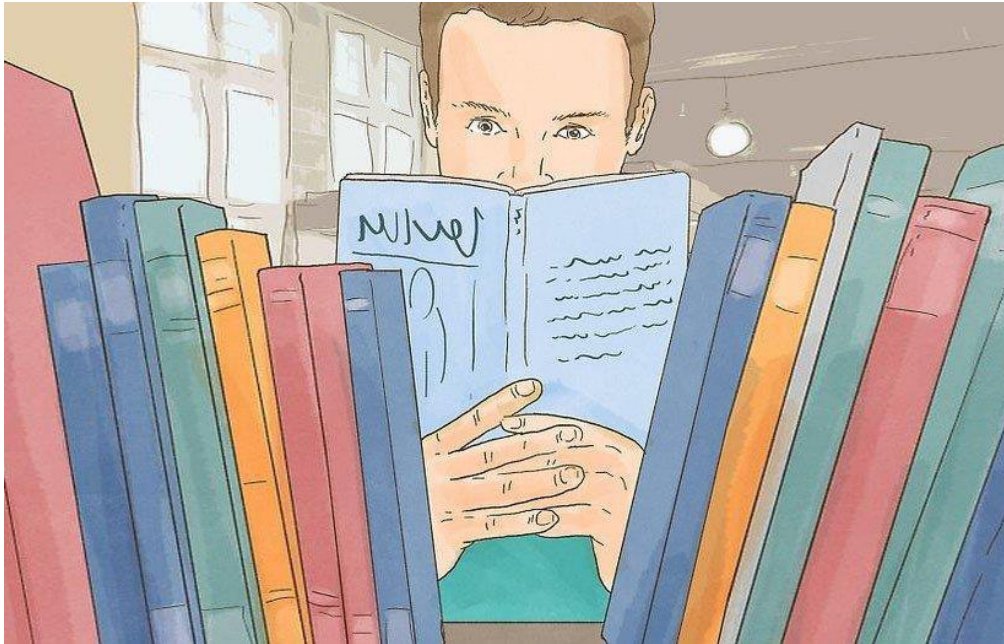
گام دوم: برنامه خود را مشخص کنید



داشتن یک برنامه و روتین مشخص و پایبندی به آن قطعاً به هر نویسنده‌ای کمک می‌کند. برای جلسات نگارشی خود یک زمان، مکان و جو مشخص را تعیین کنید و طبق آن کارتان را شروع کرده و پایان دهید. با ایجاد این روال، قسمت خلاق مغز شما به کار در این شرایط عادت می‌کند. مواردی که در این خصوص باید در نظر گرفت شامل:

- **سر و صدا:** برخی از نویسندگان از سکوت مطلق لذت می‌برند. درست همانند نوازنده‌ای که در سکوت به تمرین موسیقی می‌پردازد. برخی دیگر در هنگام نوشتن به موسیقی مورد علاقه خود گوش می‌دهند تا خلاقیت ذهنی خود را فعال‌تر کنند. عده‌ای هم تمایل دارند که در مجاورت دوستانشان به نوشتن بپردازند تا به این طریق ایده‌های خود را با دیگران مطرح کنند و از آن‌ها بازخورد بگیرند.
- **زمان نوشتن:** برخی از نویسندگان درست قبل از خواب افکار خود را یادداشت می‌کنند. برخی دیگر هم عاشق ساعات اولیه صبح هستند و در این زمان بهتر از اوقات دیگر به کار نویسندگی خود می‌پردازند، احتمالاً به این خاطر که افراد کمتری در این زمان بیدار هستند و کسی برایشان مزاحمتی ایجاد نمی‌کند. برخی از نویسندگان دیگر هم از شلوغی و ازدحام لذت می‌برند و بنابراین ترجیح می‌دهند در فاصله استراحت سر کار یا بین جلسات کاری خود بنویسند. نویسندگانی هم هستند که یک بازه زمانی بدون مزاحمت طولانی را برای نوشتن دوست دارند و به همین خاطر آخر هفته‌های خود را به نوشتن اختصاص می‌دهند.
- **مکان نوشتن:** اختصاص دادن یک ساختمان خاص، یک اتاق یا حتی یک صندلی مشخص به امر نوشتن می‌تواند به روند کاری شما کمک زیادی بکند. آشنایی با مکانی که در آن قرار است بنویسید، خلاقیت و سایر توانایی‌های ذهنی شما را با اهدافتان همسو و هم‌راستا می‌کند. بعضی مکان‌ها به ما قدرت نوشتن می‌دهند. عجیب است اما واقعی!

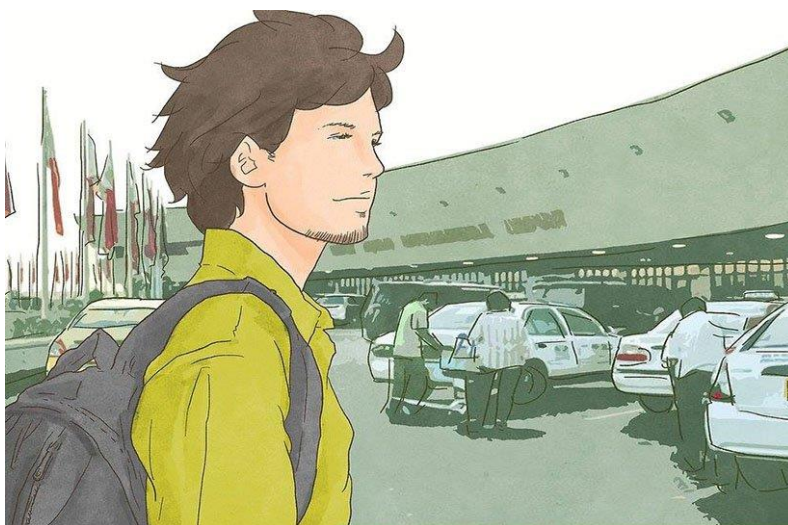
گام سوم: مطالعه کنید و بیاموزید



آثاری که از مطالعه آن‌ها لذت برده‌اید را دوباره بخوانید و سعی کنید بفهمید چه چیزی آن‌ها را جذاب و تأثیرگذار می‌کند؟ سعی کنید ساختار شعر مورد علاقه خود را تحلیل کنید یا روند تحول شخصیت‌های رمان محبوبتان را درک کنید. جمله‌ای را پیدا کنید که فکر می‌کنید عالی است و از خودتان بپرسید که چرا نویسنده آن عبارت مشخص را انتخاب کرده است؟ یا حتی آن کلمه را؟ اگر شما به جای او بودید چه می‌کردید؟

- خودتان را به یک ژانر نگارشی یا حوزه خاص محدود نکنید. برای غنی‌سازی تجارب نوشتاری خود، باید کاوش کنید. به عنوان مثال ممکن است از ژانر فانتزی نبرید، اما باید به خاطر داشته باشید که افراد دیگری هستند که هم آثار فانتزی را می‌خوانند، هم می‌نویسند. همیشه با این ذهنیت مطالعه کنید: «من مطالعه می‌کنم تا بنویسم. من مطالعه می‌کنم تا یاد بگیرم. من مطالعه می‌کنم تا ایده‌های جدیدی بیابم.»

گام چهارم: همیشه یک کاوشگر باشید



به همه چیز توجه کنید، به دنیای اطرافتان. به دنبال مسائل رازآلود باشید و سعی کنید آن‌ها را حل کنید. اگر سؤالی دارید، با علاقه و وسواس به دنبال پاسخ آن بگردید. مسائل خاص و عجیب و غریب را یادداشت کنید. هنگام نوشتن، چیزهایی که به آن‌ها توجه کرده‌اید به شما کمک می‌کنند تا درباره آن‌ها بنویسید. علاوه بر این، توجه به جزئیات می‌تواند نوشته شما را جذاب‌تر، غنی‌تر و

واقع‌بینانه‌تر کند. مشاهده کردن برای یک نویسنده امری ضروری است. در اینجا چند راهنما و نشانگر ارائه شده که به شما کمک می‌کند جهان اطراف خود را بهتر کاوش کنید:

- هیچ چیز معمولی و کسل‌کننده نیست: همیشه چیزی عجیب یا خاص در مورد همه پدیده‌ها و همه انسان‌ها وجود دارد. وظیفه شما پیدا کردن آن بعد خارق‌العاده در مشاهدتان است.
- همیشه یک راز پیش روی شماست: تلویزیونی که روشن نمی‌شود، پرنده‌ای که پرواز نمی‌کند و کلی موارد دیگر. سعی کنید چرایی این پدیده‌ها را کشف کنید.
- به جزئیات توجه کنید: برگ‌ها نه تنها سبز هستند، بلکه آن‌ها رگه‌هایی بلند و نازک دارند، ساقه‌های سفت و سختی دارند و به شکل یک قایق هستند. دیدگاه‌ها رایج و همیشگی‌تان را تغییر دهید تا در مورد پدیده‌های قدیمی چیزهای جدیدی بیاموزید.

گام پنجم: همیشه یک دفترچه یادداشت همراه خودتان داشته باشید



مواردی را که مشاهده می‌کنید یا ایده‌هایی که به ذهنتان الهام می‌شوند را یادداشت کنید. دفترچه یادداشتان را هر کجا که می‌روید همراه خود ببرید. برخی از نویسندگان مشهور حتی جیب‌های اضافه‌ای برای کت‌های خود می‌دوخته‌اند تا به این طریق بتوانند دفترچه‌های بیشتری را با خود حمل کنند. از این دفترچه یادداشت برای یافتن ایده‌های جدید استفاده کنید، مواردی را که می‌بینید، می‌شنوید یا می‌خوانید، یادداشت کنید و مطالب یادداشت شده خود را مورد بازبینی و استفاده قرار دهید. زمانی که در پروژه خود گیر می‌کنید و کارتان پیش نمی‌رود هم می‌توانید برای الهام گرفتن و یافتن ایده‌های جدید دوباره سراغ یادداشت‌های خود بروید. به خاطر داشته باشید که همه چیز را می‌توانید در دفترچه یادداشت خود ثبت کنید، زیرا هر چیزی که فکرش را هم بکنید می‌تواند منبع الهام شما باشد. برخی از موارد مفید عبارت‌اند از:

- **خواب‌ها:** که منبعی اصیل از روایت‌های عجیب و غیرمعمول هستند. فقط به خاطر داشته باشید که بلافاصله پس از بیداری و قبل از فراموش کردن خوابتان آن‌ها را یادداشت کنید!
- **تصاویر:** شامل عکس‌ها و اشکالی که به ذهنتان خطور می‌کنند
- **نقل قول‌ها:** چیزهایی که مردم می‌گویند، جملاتی که شما را به شگفتی وامی‌دارد، اشعار کوتاه یا حتی متن یک فال که برایتان جالب بوده است

گام ششم: پروژه خود را شروع کنید



این مهم‌ترین قسمت حرفه نویسنده است و ممکن است بسیار سخت هم باشد. بسیاری از ما در این مرحله به صفحه خالی کامپیوتر خیره می‌شویم، بدون اینکه حتی کلمه‌ای برای نوشتن داشته باشیم. برخی این حالت را «مسدود شدن ذهن نویسنده» می‌نامند. برای رفع این مشکل، در اینجا چند تمرین پایه برای نویسنده‌ها آورده شده است که می‌تواند به شما کمک کند سرچشمه خلاقیت خود را فعال کرده و فرایند نوشتن را آغاز کنید:

- به جایی شلوغ، ترجیحاً مکانی با حضور افراد زیاد بروید. تصور کنید که از منظر یک دوربین فیلم‌برداری به اتفاقات و رویدادها می‌نگرید و سپس همه چیز را ضبط می‌کند. دفترچه یادداشت خود را بیرون آورده و دقیقاً آنچه را که اتفاق می‌افتد بنویسید. تمام حواس خود را نیز به کار بگیرید: بینایی، بویایی، شنوایی، چشایی و لامسه هم در فرایند مشاهده و هم در زمان نوشتن.
- یک دستگاه ضبط‌صوت بردارید و مکالمات اطرافتان را ضبط کنید. بعد از اینکه برای مدت زمان کافی، مکالمه را ضبط کردید آن را روی کاغذ بازنویسی کنید. در هنگام پیاده کردن مکالمه با کلمات بازی کنید، مواردی را که دوست ندارید حذف کنید، چیزهایی را اضافه کنید. یک موقعیت جدید بر اساس مکالمه حاصله خلق کنید.
- خلق یک شخصیت. اینکه آن شخصیت چه می‌خواهند؟ ترس‌هایش چیست؟ رازهایش چیست؟ او با چه کسانی در ارتباط است و در کجا زندگی می‌کند؟ نام خانوادگی‌اش چیست و بسیاری از موارد دیگر.
- هر چه سریع‌تر اهداف نگارشی خود را تعیین کنید و تمام تلاش خود را بکنید تا به آن‌ها پایبند باشید.

گام هفتم: به انجام پروژه خود پایبند باشید



در جهان یک و نیم میلیارد نیم رمان و یک و نیم تریلیون داستان کوتاه وجود دارد. تعیین هدف و پایبند بودن به آن، هر چند که چندان خوشایند نیست، اما برای درک آنچه می‌خواهید بنویسید ضروری است. برای به انجام رساندن هر پروژه نوشتاری شما به سه چیز نیاز خواهید داشت:

- یک ایده خوب که واقعاً تمایل دارید در مورد آن بنویسید
- مهارت نوشتاری لازم برای پرورش و بیان آن ایده
- سرسختی لازم برای به پایان رساندن کار

گام هشتم: عضویت در انجمن‌های ادبی و فعالیت‌های اجتماعی



به اشتراک گذاشتن ایده‌ها و بازخورد گرفتن در مورد آن‌ها یکی از بهترین راه‌ها برای یافتن ایده‌های جدید و بهبود بخشیدن فرایند نویسندگی است. این کار می‌تواند برای نویسندگان مبتدی تا حدودی ترسناک باشد، به این خاطر اثر شما می‌تواند نوشته‌ای کاملاً شخصی باشد و شما ممکن است از رد شدن آن توسط دیگران بترسید. با این حال، نوشتن در تنهایی و انزوا به این معنی است که نه تنها کسی کار شما را نمی‌خواند، بلکه می‌تواند خطر ایجاد عادت‌های بد (استفاده زیاد از حشو، توصیفات کلامی غیر بصری یا ملودراماتیک شدن اثر و غیره) را نیز به همراه داشته باشید. به جای ترسیدن، به این مسأله فکر کنید که هر شخصی که نوشته خود را با او به اشتراک می‌گذارید یک منبع الهام بالقوه است که می‌تواند ایده‌های جدیدی در مورد اثرتان به شما بدهد.



نویسنده بودن تقریباً مثل ابرقهرمان بودن است: روزها را باید یک کار اداری ناچور سپری کنید، اما شبها اژدها سواری، کارآگاه بازی، شوالیه زره‌پوش و مهم‌تر از همه نویسندگی. برخی از نویسندگان خلاق شغل ثابت روزانه ندارند اما این مسأله بسیار نادر است. با این حال، داشتن یک کار روزانه چیز بدی نیست. در واقع، یک کار خوب در روز حتی می‌تواند به هدف شما برای نویسنده شدن کمک کند. هنگام یافتن شغل رؤیایی خود به عنوان یک نویسنده، مواردی وجود دارد که باید در نظر بگیرید:

- آیا با درآمدش می‌توانید اجاره خانه و سایر هزینه‌های زندگی را تأمین کنید؟ یک کار خوب باید نیازهای مالی روزمره شما را به راحتی تأمین کند تا بتوانید بدون نگرانی به نوشتن بپردازید. استرس برای یک نویسنده به هیچ وجه مناسب نیست.
- آیا وقت و انرژی کافی برای نوشتن برای شما باقی می‌گذارد؟ یک کار خوب باید به اندازه کافی آسان باشد تا پس از آن خسته نشوید و بتوانید به نوشتن بپردازید.
- آیا کارتان «فراغت فکری و ذهنی» خوبی برای شما ایجاد می‌کند؟ سپری کردن ساعتی در روز به دور از فضای نویسندگی می‌تواند برای شما مفید باشد. سپری کردن زمان زیاد بر روی یک پروژه می‌تواند تمام توان ذهنی شما را معطوف به آن پروژه کند و این مسأله می‌تواند از خلاقیت ذهنی و توانایی‌های شما در سایر امور بکاهد. گاهی اوقات بهتر است که یک قدم به عقب برگردید، کمی آرام شوید و بیش از حد فکرتان را مشغول نوشتن نکنید.
- آیا افراد خلاق دیگری هم در محل کار شما حضور دارند؟ یکی از مهم‌ترین مزایای یک کار خوب، حضور همکاران عالی در محل کار است. جایی که با افراد خلاق احاطه شده! و اینکه آن‌ها فقط شامل نویسندگان یا هنرمندان نیستند.

بخش دوم: تبدیل ایده‌ها و افکار به کلمات

گام دهم: خواننده را به دام بیاندازید



قطعاً معنی این عبارت این نیست که خوانندگان را به معنای واقعی کلمه به دام بیندازید! منظور این است که آن‌ها را در اثر خود غرق کنید. شما باید سطح تعامل و لذت خوانندگان را متن خود به حدی برسانید که آن‌ها همیشه چشم‌انتظار اثر بعدی شما باشند. برای انجام این کار، چند تکنیک وجود دارد که می‌توانید از آن‌ها استفاده کنید:

- **حواس پنج‌گانه**، ما جهان را از طریق حواس خود درک و تجربه می‌کنیم. یک اثر خوب اغلب باعث می‌شود که خوانندگان آن را ببینند، لمس کنند، مزه کنند، بشنوند و بو کنند.
- **جزئیات عینی و دقیق**، این نوع جزئیات درک خاصی از آنچه که خواننده در متن می‌خواند ایجاد می‌کنند. به جای خلق یک تصویر کلی مثل: «او زیبا بود»، مشخص و دقیق بشوید: «او موهای طلایی رنگ باندی داشت که با گل‌های مروارید در هم بافته شده بود.»

گام یازدهم: درباره مسائلی بنویسید که اطلاعات زیادی در موردشان دارید



اگر با چیزی از قبل آشنا باشید، می‌توانید با جزئیات، واقع‌بینی و عمق بیشتری در مورد آن بنویسید. اگر در مورد جزئیاتی که برای پروژه شما مهم است اطلاعاتی ندارید، حتماً در مورد آن‌ها تحقیق کنید. گوگل کنید یا از کسی که در آن مورد اطلاعات کافی دارد سؤال کنید. هرچه اطلاعات بیشتری راجع به یک موقعیت، یک شخص یا یک مکان داشته باشید، با واقع‌گرایی بیشتری می‌توانید آن را در نوشته‌های خود بازتاب دهید.

گام دوازدهم: ساختار اثر را در نظر بگیرید



گاهی اوقات، بهترین روش برای نوشتن یک داستان «ساختار خطی» است: شروع، اوج و پایان. با این وجود، روش‌های بسیار زیادی برای نگارش داستان وجود دارد. به عنوان مثال در ساختار «رسانه‌ای» داستان دقیقاً در اوج گیر و دار خود آغاز می‌شود، یا داستانی که با چندین فلاش‌بک در هم آمیخته به گذشته آغاز می‌شود. بسته به پیشرفت داستان، می‌توانید ساختار داستان خود را انتخاب کنید.

گام سیزدهم: زاویه دید راوی را انتخاب کنید



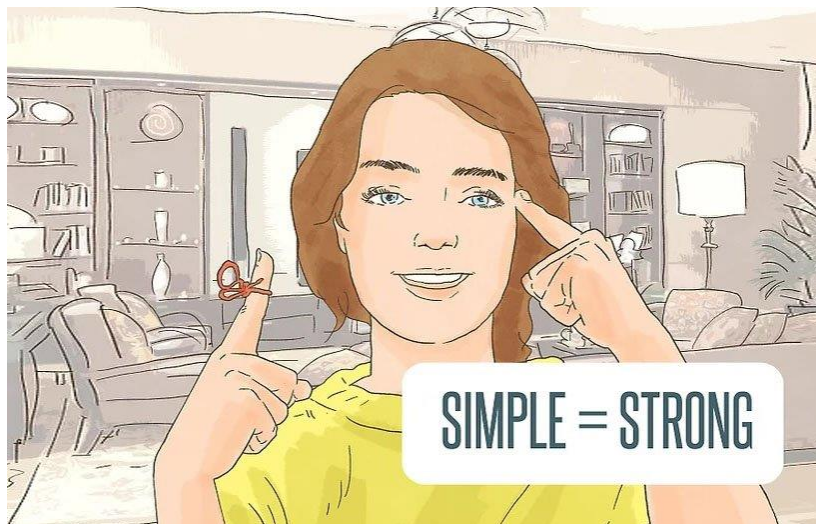
در مجموع، ۹ زاویه دید روایی مختلف وجود دارد که شامل ۳ دسته اصلی هستند: اول شخص، دوم شخص و سوم شخص. هنگام تصمیم‌گیری در مورد زاویه دید، به این فکر کنید که می‌خواهید خوانندگان شما به چه اطلاعاتی دسترسی داشته باشند.

- زاویه دید اول شخص یا ضمیر «من»
 - درگیر: راوی یک شخصیت فعال یا گوینده داستان است
 - جدا: راوی داستان خاص خود را نقل نمی‌کند، بلکه داستان یک شخصیت اصلی را تعریف می‌کند
 - جمع (ما): راوی جمعی، گروه بزرگی از مردم که روایت از زاویه دید آن‌ها نقل می‌شود
- زاویه دید دوم شخص یا ضمیر «تو»
 - وارونه: راوی از خودش به عنوان نویسنده یاد می‌کند و خود را از افکار / صفات و خاطرات ناپسند جدا می‌کند.
 - شما = شخصیتی متمایز از خصوصیات منحصر به فرد خود

- شما = خطاب مستقیم به خواننده
- شما = خواننده یک شخصیت فعال در داستان است
- زاویه دید سوم شخص که از نام کاراکتر استفاده می‌کند
- دانای کل: راوی همه چیز را می‌داند، در داستان اقتدار و آزادی کامل دارد و می‌تواند داوری کند
- محدود: این زاویه دید نمایی محدود شونده است به روایت. مانند پنجره‌ای که کم کم بسته می‌شود و دید شما را به منظره کمتر و کمتر می‌کند
- افکار و احساسات تک شخصیت‌ها: در واقع هری پاتر محدود به افکار و احساسات هری است
- مشاهده‌گر مستقیم: روایت راوی از موقعیت، اما به صراحت نمی‌تواند احساسات شخصیت‌ها را تشخیص دهد
- پرواز بر روی دیوار: راوی مثل یک جاسوس است که از روی دیوار و از دور دست اوضاع را مشاهده می‌کند، اما دسترسی‌اش به اطلاعات کامل نیست زیرا زاویه دیدش با توجه به موقعیت قرار گرفتنش روی دیوار محدود می‌شود

بخش سوم: قوانین نگارش

گام چهاردهم: هر روز با استفاده از کلمات ساده بنویسید



هنگامی که کار خود را شروع می‌کنید، سعی کنید روزانه حداقل ۳۰۰ کلمه بنویسید، با این کار مهارت نوشتاری خود را هر روز بهبود می‌بخشید. علاوه بر این، ساده‌نویسی بهترین راه برای شروع است. اگرچه بدون شک به دامنه واژگانی متناسب و کامل نیاز خواهید داشت (بعداً در مورد آن بعداً بیشتر توضیح می‌دهیم)، اما باید به خاطر داشته باشید استفاده زیاد از کلمات بسیار سخت و دشوار، همه خوانندگان به جز متعهدترین آن‌ها را از شما دور خواهد کرد. از کم شروع کنید. یک کلمه بزرگ را صرفاً به این خاطر که جذاب به نظر می‌رسد در متن خود به کار نبرید.

گام پانزدهم: در ابتدا با جملات کوتاه شروع کنید

هضم جملات کوتاه آسان است و این جملات بسیار خواندنی هم هستند. اما این مسأله بدان معنا نیست که هر چند وقت یک بار هم نمی‌توانید یک جمله طولانی بنویسید. مسأله اینجا است که جملات ساده بدون اینکه خواننده را متوقف کند، اطلاعات را به او منتقل می‌کنند و باعث وقفه بی‌جا و خارج شدن خواننده از فضای داستان نمی‌شوند.

- برای مثال به یک جمله بدساخت و بیش از حد طولانی زیر می‌اندازیم. جمله زیر برنده جایگاه دوم مسابقه بدترین نگارش سال شد. در مورد اینکه چرا این جمله واجد شرایط «بدترین نوشته سال» شده است، جای هیچ ابهامی وجود ندارد. این جمله از اصطلاحات پیچیده مختلف استفاده کرده است، با عبارات تصادفی نادرست پر شده است و بسیار طولانی است:
- «گر برای مدتی، هوس استفاده از نظم و انضباط قابل محاسبه می‌شد، تکرار گناه، توجیه، نظریه‌های شبه‌علمی، خرافات، مراجع جعلی و طبقه‌بندی‌شده می‌توانست تلاشی ناامیدکننده برای «عادی‌سازی» تلقی شود، یعنی به طور رسمی اخلال در گفتمان‌های انشعابی که ادعاهای روشنفکرانه و روشنگری مرتبط با آن را نقض می‌کند.»

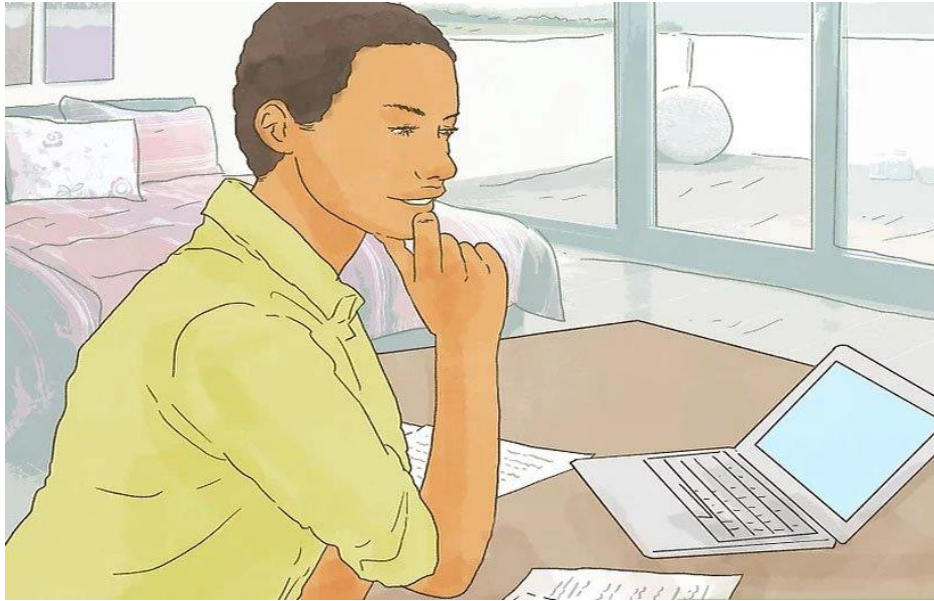
گام شانزدهم: بگذارید فعل‌های شما کار اصلی را انجام دهند



افعال عنصر اصلی و محرک جملات هستند. آن‌ها معنی جمله را تکمیل می‌کنند و به خواننده منتقل می‌کنند. علاوه بر این، آن‌ها برای نویسندگان امکان دستیابی به دقت خیره‌کننده‌ای را در انتقال معانی فراهم می‌کنند.

- به افعال مشکل‌ساز توجه کنید. افعالی مانند «انجام دادن»، «رفتن»، «دیدن»، «حس کردن» و «داشتن». اگرچه گاهی این افعال ممکن است گزینه مناسبی باشند، اما در واقع هیچ حس و بویی به نوشته شما اضافه نمی‌کند. در صورت لزوم، کلمه مشخص‌تری را برای افعال مشکل‌ساز جایگزین کنید، مثل: «به سرانجام رساندن»، «گریختن»، «خیره شدن»، «تجربه کردن» و «مراقبت کردن» که همه آن‌ها مفاهیم مشخص‌تری را منتقل می‌کنند.
- به عنوان یک قاعده کلی، از حالت معلوم به جای حالت مجهول استفاده کنید.
- حالت معلوم: «گربه صاحب خود را پیدا کرد». در اینجا، گربه در حال انجام کاری است. او در حال یافتن صاحب خود است و او را می‌یابد.
- حالت مجهول: «صاحب گربه توسط گربه پیدا می‌شود». در اینجا، گربه از عمل حذف می‌شود. صاحب گربه پیدا می‌شود. گربه او را پیدا نمی‌کند.

گام هفدهم: مراقب باشید بیش از حد از صفت استفاده نکنید



نویسندگان تازه‌کار معمولاً در نوشته‌های خود بیش از حد از صفت استفاده می‌کنند. صفت‌ها به خودی خود مشکلی ندارند، جز این که بعضی اوقات می‌توانند زائد باشند و غالباً ابهام ایجاد می‌کنند. بنابراین فهم آن‌ها دشوارتر از سایر عناصر جمله است. برای توصیف هر اسمی لازم نیست که قبل از آن یک صفت بیاورید.

- گاهی اوقات، صفات زائد هستند. به عنوان مثال در جمله «من او را دیدم که چگونه آخرین مهره پیاده ظاهراً بی‌ارزش را بلند کرد و آن را آرام جابجا کرد و بر زمین سرد بازی گذاشت، شاه رقیب با این حرکت خردمندانه‌اش مات شد و سپس پیروزی موفقیت آمیز خود را جشن گرفت». کدام پیروزی موفقیت‌آمیز نیست؟ در اینجا، این صفت در واقع آنچه را که از قبل می‌دانیم دوباره بیان می‌کند. کاربرد این صفت در اینجا به خواننده هیچ کمکی نمی‌کند تا درک بهتری از موقعیت پیدا کند.
- در موارد دیگر، صفت‌های به کار برده شده توسط نویسندگان می‌تواند بسیار مبهم باشند. «او یک دشمن گرمی است» جمله‌ای است که نه در دسترس است و نه مناسب.. گرمی صفتی است که در مورد دوستان و افرادی که با آن‌ها در صلح هستید به کار می‌رود و این مسأله جمله را مبهم و غیر قابل فهم می‌کند.

گام هجدهم: پیوسته دامنه واژگان خود را افزایش دهید



یک فرهنگ لغت معنایی و یک فرهنگ مترادف/متضاد را همیشه در دسترس خود نگه دارید یا حتی آن‌ها را روی تلفن همراه هوشمند خود نصب کنید. هر وقت به کلمه‌ای برخورد کردید که معنی آن را نمی‌دانید، معنی آن را جستجو کنید. به عنوان یک نویسنده همچنین یک آشنایی حداقلی با ریشه‌شناسی لغات ضروری است. در عین حال، از دامنه‌ها و واژگان خود کم استفاده کنید. فقط به این دلیل که معنی کلمات «انقیاد» «ناآشناسازی» و «تجاهل‌العارف» را می‌دانید، به این معنی نیست که باید در هر متنی که می‌نویسید بهانه‌ای برای استفاده از آن‌ها پیدا کنید.

- ریشه کلمات را مطالعه کنید. ریشه کلمات به شما کمک می‌کند تا معانی کلمات ناشناخته را بدون فرهنگ لغت رمزگشایی کنید. دانستن ریشه‌های کلمات عربی نیز به شما در تشخیص معنی کلمات قدیمی و مذهبی کمک زیادی می‌کند.

گام نوزدهم: منظورتان را صریح و شفاف بیان کنید



خیلی از افراد در گفتار خود دقت چندانی رو انتخاب لغات مناسب ندارند و اولین لغتی که مفهومشان را برساند بیان می‌کنند، بدون توجه به این مسأله که آیا آن کلمه با بافت جمله و گفتار تناسب دارد یا نه. این دقیقاً همان کاری است که خیلی از نویسنده‌ها در هنگام نوشتن هم آن را انجام می‌دهند، یعنی برای انتخاب لغات دقت و وقت کافی را صرف نمی‌کنند. این استراتژی در مکالمه روزمره مفید و ضروری است برای این که کلام منقطع نشود، اما در مورد نوشتن روشی مشکل‌ساز است.

- در متن هیچ پیش‌زمینه و بافت ارتباطی‌ای وجود ندارد، نویسنده نمی‌تواند از دستان خود برای اشاره استفاده کند، او همچنین نمی‌تواند با تکیه بر حالت‌های صورت از ابهام مکالمه بکاهد و معنای آن را درست تفسیر کند. در حقیقت خواننده تنهاست و برای جمع‌آوری معنا فقط باید به کلمات شما اعتماد کند.
- مسأله دیگر اینکه خواننده آنچه را که نویسنده در روی‌ساخت اثر بیان کرده، برداشت می‌کند و کاری به معنای پنهان و ضمنی موجود در ذهن نویسنده ندارد. خواننده انتظار ندارد که مجبور شود از نویسنده معنای پنهان عبارتی را سؤال کند و منظور او را از نوشتن آن جمله بپرسد؟ خواننده تصور می‌کند منظور نویسنده همان چیزی است که نوشته است، نه کمتر نه بیشتر. در هنگام مطالعه اثر توسط خواننده، نویسنده نمی‌تواند که معنی کلمات گیج‌کننده را روشن کند، به این معنی که اگر یک کلمه گیج‌کننده را در متن‌تان یادداشت کنید، هر خواننده به طریقی گیج می‌شود.
- به همین دلایل، وقت بگذارید و منظورتان را شفاف بیان کنید. مفهومی که می‌خواهید بیان کنید را قبل از گفتن آن مشخص کنید. برای یافتن کلمات درست هم دقت کافی را به خرج بدهید حتی اگر این کار وقت شما را بگیرد. مشکل بسیاری از نوشته‌ها این است که کلمات انتخاب‌شده با ایده موجود در ذهن نویسنده انطباق ندارد، مسائل مربوط به طرح نوشته یا مشکلات سبکی در رده‌های بعدی قرار دارند.

گام بیستم: از زبان تمثیلی و کنایی با هدف اثرگذاری استفاده کنید، نه به عنوان یک قاعده



نمونه‌هایی از زبان تلویحی و کنایی استعاره و تشبیه است. بهتر است وقتی می‌خواهید خواننده را به شکل خاصی تحت تأثیر قرار دهید و یا توجه او را به چیز خاصی جلب کنید، از استعاره و تشبیه استفاده کنید. درست همانند گفتن «دوستت دارم»، که در صورت استفاده مداوم، بسیاری از قدرت و جذبه خود را از دست می‌دهد.

گام بیست و یکم: در مورد استفاده از علائم نگارشی افراط و تفریط نکنید



علائم نگارشی خوب نه دیده می‌شود و نه شنیده می‌شود، اما با این وجود تأثیر قدرتمندشان را می‌گذارد. استفاده از علائم نگارشی کم باعث می‌شود خوانندگان شما قادر به درک معنی جملات شما نباشند. استفاده بیش از حد از علائم نگارشی نیز باعث پرت شدن توجه خوانندگان می‌شود. هیچ کس نمی‌خواهد جمله‌ای را بخواند که در آن نقطه، ویرگول، کروشه و خط تیره بیشتر از کلمات واقعی باشد.

- علامت تعجب. از علامت تعجب بیش از حد استفاده نکنید. انسان‌ها معمولاً زیاد تعجب نمی‌کنند، علاوه بر این همه جملات هم وجه تعجبی ندارند. المور لئونارد، نویسنده بزرگ جنایی، در این مورد گفته است: «حواستان به حد مجاز استفاده از علامت تعجب باشد. شما در هر ۱۰۰,۰۰۰ کلمه نثری که می‌نویسید بیش از دو یا سه بار مجاز به استفاده از علامت تعجب نیستید.»

- نقطه ویرگول. نقطه ویرگول به عنوان یک نقطه ترکیبی عمل می‌کند که دو جمله را که با هم ارتباطی منطقی دارند، به هم پیوند می‌دهد. با این حال، کورت ونگوت در مورد استفاده از این علامت می‌گوید: «از نقطه ویرگول استفاده نکنید. نقطه ویرگول علامت گنگ و مبهمی است دال بر هیچ چیز نیست. تنها کاربرد استفاده از این علامت این است که نشان می‌دهد که شما به دانشگاه رفته‌اید.»

گام بیست و دوم: وقتی همه قوانین را یاد گرفتید، آن‌ها را نقض کنید



برای دستیابی به نوع نوشتاری که مدنظرتان هست، از شکستن قوانین یا بازی با آن‌ها نترسید. برخی از بزرگ‌ترین نویسندگان با شکستن قواعد دستوری، سبکی و معنایی ادبیات را ارتقا بخشیده‌اند و نام خود را تاریخ جاودانه کرده‌اند. اما قبل از شکستن هر قانونی در وهله اول توجه داشته باشید که چرا آن قانون را نقض می‌کنید و تأثیر احتمالی آن را نیز مدنظر داشته باشید. و اگر حاضر نیستید که در این مورد کمی ریسک کنید، اصلاً چرا خودتان را نویسنده می‌خوانید؟

معرفی محصولات سایت پارد وب

برای دانلود روی هر تصویر کلیک کنید

سایت پارد وب
قالب پاورپوینت آماده ارائه دفاع پایان نامه

پایان نامه کارشناسی ارشد

- دارای 50 اسلاید (32 اسلاید + 18 اسلاید آیکون و ...)
- تصاویر و کلیپ آرتهای مناسب و باکیفیت
- توضیحات پیش فرض جهت تکمیل سریع تر
- رنگبندی مناسب و کاملا قابل ویرایش
- اینفوگرافیک های مرتبط با پایان نامه و ...

www.PardWeb.ir



دانلود پاورپوینت دفاع پروپوزال دکتری Pardweb.ir



قالب پاورپوینت ۳۵
پایان نامه دکتری اسلاید
دانلود از سایت پارد وب
www.PardWeb.ir